

مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

بایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

موضوع:

تجرد نفس در فلسفه ملاصدرا

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر عسکر دیرباز

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد مهدی احمدی

دانش پژوه:

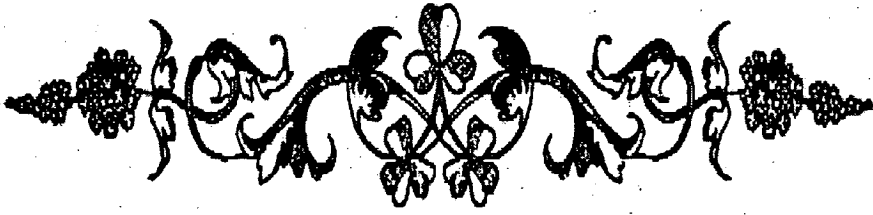
علی ظفر محبی

سال ۱۳۸۳

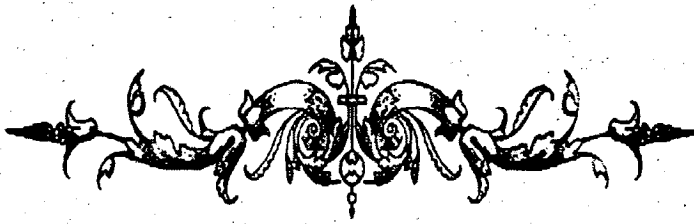
کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۵۶۰

تاریخ ثبت:



بیت الحرام



اهداء:

«يا فاطمة اشفعي لنا في الجنة»

هدیه به

حضرت معصومه (س)

که خداوند توفیق تدوین این رساله را در جوار حرم حضرتش عنایت فرمود.

و تقدیم به

روح بلند حکیم متاله ملا صدرای شیرازی

که آنچه حاصل آمده از سفره‌ی بی کران دانش اوست.

تقدیر و تشکر

قال رسول الله (ص):

«لا يشكر الله من لا يشكر الناس»

(امالی شیخ طوسی ص ۳۸۳)

بر این اساس بر خود فرض می‌دانم که از استاد ارجمند حجة الاسلام والمسلمین آقای دیرباز، که در مدت تدوین این رساله زحمات زیادی متحمل شدند و در تهیه آن مرا یاری و راهنمایی لازم نمودند و از جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای احمدی که زحمات مشاوره این رساله را بعهده داشتند تشکر و قدردانی نعیم. همچنین از مسئولین مرکز جهانی و بخش پایان‌نامه که زمینه‌ی تدوین این رساله را فراهم نمودند.

امید است که خداوند متعال این بنده‌ی بی‌مقدار را مورد لطف و عنایت قرار دهد.

چکیده:

تجرّد نفس یکی از مباحث مهم در بحث نفس فلسفه می‌باشد، لذا فلاسفه بخش عمده‌ی از بحث را به آن اختصاص داده‌اند. یکی از کسانی که در این زمینه بحث قابل قدر و ارزش‌مندی نموده است و نظراتش همچنان مطرح است. صدرالمتهین معروف به ملاصدرا می‌باشد. ایشان با نوآوری‌هایی که در فلسفه داشت توانست مشکلات زیادی را در مورد نفس و تجرد آن حل نماید.

از نظر ایشان نفس موجودی است که بر اساس اصل «تشکیک وجود» دارای مراتب و بر اساس اصل «حرکت جوهری» دارای حرکت بسوی غایت و کمال خود می‌باشد، و در ابتدای حدوث صورت مادی دارد و در ادامه به تجرد می‌رسد. مهم‌ترین راه برای اثبات تجرد آن داشتن قوه‌ی مدرکه و ادراک است. البته دلایل و طرق دیگری نیز وجود دارد که در مجموع دلایل تجرد نفس به دو گروه تقسیم می‌شوند. یکی دلایل عام که فقط غیزیت و تجرد آن از ماده را اثبات می‌کنند و دیگری دلایل خاص که علاوه بر تجرد نوع تجرد آن را نیز ثابت می‌کنند.

تجرّد نفس از نظر ایشان سه مرتبه‌ی مثالی و عقلی و فوق عقلی دارد که نفوس بر اساس آن دارای سه مرتبه می‌باشند. و رسیدن نفس به آن مراتب به صورت اتفاقی نیست بلکه تابع عواملی چند می‌باشد که راز جاودانگی نفس رسیدن آن به تجرد می‌باشد. که تمام این مباحث از نظر فلسفه‌ی ملاصدرا (حکمت متعالیه) مطرح گردیده است.

فهرست مطالب

۱	فصل اول: تعاریف و کلیات
۲	ملاصدرا و فلسفه او
۲	ملاصدرا کیست؟
۳	فلسفه ملاصدرا و تفاوت آن با فلسفه دیگر
۴	پیشینه تجرد نفس
۴	فلسفه‌ی یونان باستان
۶	فلسفه‌ی اسلامی
۸	ماده و خصوصیات آن
۱۰	تعریف تجرد
۱۱	انقسام تجرد
۱۴	تعریف نفس
۱۷	اثبات نفس
۱۸	آیا نفس غیر از مزاج است؟
۲۰	انقسام نفس
۲۲	قوای نفس
۲۵	قوای نفس و محل آنها
۲۵	الف) قوای نفس حیوانی
۳۰	ب) قوای نفس انسانی
۳۲	وحدت نفس با قوای خود
۳۳	دلیل وحدت نفس با قوا
۳۵	فصل دوم: ادراک نفس
۳۶	ادراک چیست؟
۳۹	کیفیت ادراک

۴۱ انواع ادراك
۴۲ تجرد ادراك
۴۳ نظريات فلاسفه
۴۶ مدرک چیست؟
۴۷ براهين اثبات تمام ادراکات توسط نفس
۴۷ برهان اول
۴۸ برهان دوم
۴۸ برهان سوم
۴۹ نتایج بحث
۵۱ فصل سوم: مبانی فلسفه‌ی ملاصدرا در رسیدن نفس به تجرد
۵۲ الف) تشکیک در وجود (مبنای اول)
۵۲ معنای تشکیک
۵۴ انواع تمایز
۵۶ تشکیک در مفهوم یا حقیقت وجود
۵۸ اقسام تشکیک
۵۸ الف) تشکیک عامی و خاصی
۶۰ ب) تشکیک طولی و عرضی
۶۲ موارد استفاده از نظریه‌ی تشکیک وجودی
۶۲ ب) حرکت در جوهر (مبنای دوم)
۶۲ معنی حرکت
۶۴ جایگاه حرکت
۶۵ نسبت حرکت با تغییر
۶۵ نسبت حرکت با کون و فساد
۶۶ شرایط حرکت
۶۶ ۱- فاعل حرکت
۶۸ ۲- موضوع حرکت

- ۶۹ ۳ و ۴ - مبدأ و منتهای حرکت
- ۷۱ ۵ - زمان حرکت
- ۷۱ ۶ - مسافت حرکت
- ۷۳ وقوع حرکت در مقولات عرضی و جوهر
- ۷۴ موارد استفاده از نظریه‌ی حرکت جوهری
- ۷۶ **فصل چهارم: تجرد آغازین یا فرجامین**
- ۷۷ حدوث یا قدم نفس
- ۷۷ نظریه قدم نفس
- ۷۷ دلایل قدم نفس
- ۷۹ اشکالات قدم نفس و نقض دلایل آن
- ۸۱ نظریه حدوث نفس
- ۸۲ حدوث مادی یا روحانی نفس
- ۸۲ الف) حدوث روحانی
- ۸۳ ب) حدوث جسمانی
- ۸۴ اشکالات مجرد بودن نفس در آغاز
- ۸۶ آیا حصول مجرد نفس دفعی است یا تدریجی؟
- ۸۶ آیا مجرد برای نفس حادث می‌گردد؟
- ۸۹ آیا تبدیل جوهر مادی به مجرد انقلاب در ماهیت نیست؟
- ۹۰ الف) معنی انقلاب
- ۹۰ ب) انقلابهای ممتنع
- ۹۱ ج) تبدلات نفس از انقلابهای ممتنع نیست
- ۹۱ آیا در پایان تمام نفوس به مجرد می‌رسند
- ۹۲ نتایج بحث
- ۹۳ **فصل پنجم: دلایل و مراتب تجرد نفس**
- ۹۴ دلایل عام مجرد نفس
- ۹۴ دلیل اول: خلأ مطلق (انسان معلق در فضا)

- ۹۵ دلیل دوم
- ۹۵ دلیل سوم
- ۹۶ دلیل چهارم
- ۹۶ دلیل پنجم
- ۶ دلیل ششم
- ۹۷ دلیل هفتم
- ۹۸ مراتب تجرد نفس و دلایل خاص
- ۹۸ الف) تجرد مثالی (خیالی ، برزخی)
- ۹۸ مثال چیست؟
- ۹۹ عالم مثال
- ۹۹ تعاریف عالم مثال
- ۱۰۳ عالم خیال
- ۱۰۳ تجرد خیال صور خیالی
- ۱۰۴ ادله تجرد خیال و صور خیالی
- ۱۰۶ ادله مخالفان تجرد خیال و عالم مثال و رد آن
- ۱۰۸ اشتراك انسان و حیوان در عالم خیال
- ۱۰۹ ب) تجرد عقلی نفس
- ۱۰۹ تعریف عقل
- ۱۱۰ عقل انسانی
- ۱۱۰ مراتب عقل انسانی
- ۱۱۲ مقصود از تجرد عقلی نفس
- ۱۱۲ دلایل تجرد عقلی نفس
- ۱۱۴ رسیدن عده‌ای از نفوس انسانی به تجرد عقلی
- ۱۱۵ آیا عامه‌ی مردم ادراك کلی (تجرد عقلی) ندارند؟
- ۱۱۵ کلی و ادراك آن از نظر ملاصدرا چیست؟
- ۱۱۸ عدم کلیت آن چه در نزد عامه‌ی مردم کلی جلوه می‌کند

- ۱۲۰ اتحاد نفس در مرتبه‌ی مجرد عقلی با عقل فعال
- ۱۲۰ نفس با اتحاد به عقل فعال هویت شخصی خود را از دست نمی‌دهد
- ۱۲۲ (ج) مجرد فوق عقلی نفس
- ۱۲۲ تعریف
- ۱۲۲ پیشینه و قائلین به این مرتبه
- ۱۲۴ اثبات مرتبه‌ی مجرد فوق عقلی نفس
- ۱۲۵ دلایل مجرد فوق عقلی نفس
- ۱۲۸ محدودی از نفوس انسانی به مجرد فوق عقلی نفس راه می‌یابند
- ۱۲۸ نتایج
- ۱۳۰ **فصل ششم: عوامل موثر در رسیدن نفس به مجرد و بقاء آن**
- ۱۳۱ الف) خلقت و طبیعت
- ۱۳۲ ب) حرکت جوهری
- ۱۳۳ ج) تزکیه نفس در عرصه‌ی علم و عمل
- ۱۳۴ نقش بدن در مجرد نفس
- ۱۳۵ بدن علت اعدادی برای رسیدن نفس به مجرد
- ۱۳۶ نقش مرگ در مجرد نفس
- ۱۳۶ الف) مرگ و اقسام آن
- ۱۳۷ ب) رسیدن نفس به مجرد قبل از مرگ
- ۱۳۸ ج) نقش استکمالی مرگ برای مجرد نفس
- ۱۳۸ مجرد و بقاء نفس
- ۱۴۰ آیا مجردات باقی و ابدی هستند؟
- ۱۴۰ معیار فساد پذیری
- ۱۴۰ بقاء و ابدیت مجردات
- ۱۴۲ **خاتمه**
- ۱۴۵ **منابع و مآخذ**

مقدمه:

حمد خدای را که حقیقت هستی اوست «هو الاول و الاخر والظاهر و الباطن» او سپاس بی پایان معبودی را که با همه و در هر جا اوست «هو معکم اینما کتتم»^۲. ستایش آفریدگاری را سزااست که هر چیز جز او فانی و هالک است «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام»^۳ «کل شیء هالک الا وجهه»^۴. ثنا پروردگاری را که انسان را به احسن تقویم آفرید و در میان مخلوقات اشرفش گردانید و از روح خود در کالبد او دمید «و نفخت فیه من روحی»^۵.

درود بر انبیاء تعلیم و تزکیه مخصوصاً خاتم آنان و عترت طاهرینش که مصداق بارز روح خدایی می باشند و بویژه بر خاتم اوصیاء حضرت بقیه الله الاعظم که تحقق آیه کریمه «لیظهره علی الدین کله»^۶ به ظهور آن مصلح جهانی موعود شده است.

عنوان تحقیق:

موضوع این تحقیق، تجرد نفس در فلسفه ملاصدرا است که در شش فصل و یک خاتمه تنظیم گردیده است و ترتیب مطالب به این صورت می باشد.

فصل اول تحت عنوان کلیات و تعاریف، که ابتدا معرفی اجمالی از ملاصدرا و فلسفه‌ی ایشان صورت گرفته و بعد پیشینه‌ی بحث تجرد نفس تعریف تجرد و اقسام آن، تعریف نفس و اثبات آن و جوهریت نفس و در آخر هم بحثی از قوای نفس و اینکه نفس حیوانی و انسانی دارای قوه‌ی مدرکه می باشد.

فصل دوم، در مورد ادراک نفس هست که شامل تعریف و کیفیت ادراک در فلسفه‌ی ملاصدرا و اینکه مدرک چیست؟ و مدرک چه می باشد؟ و در نهایت اینکه نفس در تمام ادراکات مدرک است و صور مجرده هستند که مورد ادراک قرار می گیرند، و به

۱ - الحدید / ۳.

۲ - الحدید / ۴.

۳ - الرحمن / ۲۶-۲۷.

۴ - القصص / ۸۸.

۵ - الحجر / ۲۹.

۶ - الصف / ۹.

جهت اینکه همسانی و اتحاد بین مدرک و مدرک وجود دارد پس باید نفس مجرد باشد.

فصل سوم، تحت عنوان مبانی تجرد نفس، از دو مبانی فلسفی ملاصدرا که حرکت جوهری و تشکیک وجودی باشد، در جهت ارائه نظریه‌ی حدوث مادی و بقاء روحانی نفس، بحث گردیده و موارد استفاده از این دو مبانی نشان داده شده است.

فصل چهارم با عنوان تجرد آغازین یا فرجامین نفس به مطالب زیر پرداخته شده است: نفس حادث است و نه قدیم، نفس حدوث مادی دارد و نه تجردی، و نفس بر اساس حرکت جوهری و تشکیک وجودی، با حرکت استکمالی به تجرد می‌رسد، و رسیدن نفس به تجرد به صورت تدریجی می‌باشد. و به این پرسشها که آیا تبدیل جوهر مادی به جوهر مجرد انقلاب در ماهیت نمی‌باشد؟ و آیا حصول تجرد برای نفس، حدوث بعد از عدم نمی‌باشد؟ پاسخ داده شده است.

فصل پنجم: در مورد دلایل و مراتب تجرد نفس می‌باشد، که دلایل تجرد نفس به دو دسته‌ی عام و خاص تقسیم می‌گردد و دسته‌ی عام به صورت جداگانه ذکر گردیده و بعد از آن دلایل خاص، همراه مراتب تجرد نفس که عبارتند از تجرد مثالی و عقلی و فوق عقلی، آورده شده است.

فصل ششم، در این فصل به عوامل مؤثر در رسیدن نفس به تجرد و نقش تجرد در بقاء نفس پرداخته شده و عواملی چون طبیعت و حرکت جوهری و تزکیه‌ی علمی و عملی برای رسیدن به تجرد مؤثر شناخته شده است و هم چنین بدن به عنوان علت معده برای رسیدن نفس به تجرد معرفی گردیده و از نقش مرگ در تجرد نفس با عنوان نقش استکمالی نام برده شده است. و در آخر هم به نقش تجرد نفس نسبت به بقاء و ابدیت آن بحث گردیده است.

در خاتمه به ذکر نتیجه‌ای که از تحقیق گرفته شده است پرداخته شده و هم چنین پاسخ به برخی از اشکالاتی که از سوی بعضی از بزرگان نسبت به نظریه‌ی ملاصدرا، در مورد نفس و تجرد آن صورت گرفته است.

مسأله تحقیق:

از گذشته های دور تجرد و جاودانگی نفس در میان فلاسفه موضوع بحث فلسفی بوده و لذا در مورد آن اظهار نظر و ابراز عقیده نموده اند ، به عنوان مثال در یونان باستان افلاطون به تجرد و قدیم بودن نفس عقیده داشته و ارسطو به حدوث تجردی آن نظر داده است و در میان فلاسفه اسلامی ابن سینا و شیخ اشراق ، فخر رازی و ... سخن گفته و حدوث تجردی آن را پذیرفته اند.

اما قدم و حدوث تجردی نفس به علت اینکه دارای اشکالات فراوان بوده و نواقص آن در مرور زمان بیشتر روشن گردید ، این نظریه را دچار تزلزل و غیر قابل پذیرش نمود و لذا فلاسفه و دانشمندان را وا داشت تا در جستجوی راه حل برآیند . عده ای از یافتن راه حل مناسب سر خورده برگشته و حتی بر آن شدند که به مادی بودن نفس رأی دهند . اما عده ای دیگر راه حل مناسب و جدید در این مورد ارائه نمودند .

این رساله در پی این است که در یابد در فلسفه ملاصدرا که یکی از فیلسوفان اسلامی و دارای مبانی اختصاصی و سبک جدید در فلسفه است و فلسفه غالب در فضای فکری و فرهنگی معاصر اسلامی می باشد ، چه و چگونه راه حلی ارائه نموده و دریافتن پاسخ برای پرسش های ذیل می باشد :

۱- مبانی فلسفه ملاصدرا در نظریه حدوث مادی نفس و بقای روحانی آن چیست ؟

۲- آیا حدوث مادی و تجرد فرجامین نفس مشکلی ندارد؟

۳- آیا یک جوهر مادی می شود به جوهر مجرد تبدیل گردد؟

۴- آیا همه ی نفوس به تجرد می رسند؟

۵- آیا نفوس از حیث تجرد در یک رتبه قرار دارند؟

۶- آیا عواملی در رسیدن نفس به تجرد تاثیر گذار است؟

فرضیه تحقیق: (چند فرضیه است که در یک قالب ذکر شده)

نفس در ابتدای حدوث مادی بوده و در فرجام با حرکت تکاملی و داشتن مراتب تشکیکی مجرد می گردد .

روش تحقیق:

تحقیق به صورت کتابخانه‌ی می‌باشد و ابزار آن کتاب و کتابخانه می‌باشد.

ضرورت تحقیق:

یکی از مسائل فلسفی که از دیر زمان در میان فلاسفه مطرح بوده بحث نفس می‌باشد و مهم‌ترین بحث در مباحث مربوط به نفس مساله «تجرد» آن می‌باشد، زیرا با اثبات تجرد نفس هست که بقای نفس برهانی گشته معاد و آخرت معنا و مفهوم پیدا می‌کند و از طریق شناخت اوست که می‌توان به نوع وجود نفس بعد از مرگ بدن و به لذتها و عذابهای آن پی برد و چگونگی معاد، موجودات را در قیامت دریافت، لذا فلاسفه قسمت عمده‌ی از مباحث نفس خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. از میان فلاسفه اسلامی ابن سینا و فخر رازی و ملا صدرا.

ولی ملا صدرا بر اساس پدید آوری مبانی جدید در فلسفه‌ی خود آراء و نظراتی در مورد نفس و تجرد آن بیان داشت که موجب تحول عمده در دیدگاه فلاسفه‌ی بعد از ایشان در مورد تجرد نفس گردید، و هنوز آن دیدگاه باقی است و اشخاصی بعد از ایشان، با پیروی از مکاتب فلسفی وی به بحث تجرد نفس پرداخته‌اند و برای اثبات آن ادله اقامه کرده‌اند. مثل مرحوم سبزواری در شرح منظومه و استاد حسن زاده آملی در کتاب عیون مسائل نفس و شرح آن، و گنجینه گوهر روان و معرفت نفس، البته ایشان مباحث قابل قدر و ارزشمندی مطرح نموده‌اند و مطالبی که از نظرات ملا صدرا قابل استفاده بوده است بیان داشته‌اند، اما به تجرد نفس از نظر فلسفه ملا صدرا به صورت مستقل و با در نظر داشت مبانی فلسفی ایشان به گونه‌ی جامع و کامل توجه نگردیده است.

و هم چنین آقای مصباح یزدی که سفر نفس را شرح نموده‌اند بحث تجرد نفس را در یک فصل در ضمن مباحث نفس مطرح و شرح نموده و به ذکر دلایل و شرح آن اکتفا نموده‌اند و گاه‌گاهی اشکالاتی را به نظرات ملا صدرا مطرح نموده است که تنها به طرح گفته‌های ملا صدرا قناعت نموده‌اند.

و تنها کسی که بیشتر از همه در موضوع تجرد نفس به صورت مستقل کار کرده و در نظرات ملاصدرا تحقیقی انجام داد. دکتر یزدانی در کتاب «راز جاودانگی» است. ایشان این موضوع را از نظر ملاصدرا و ابن سینا به عنوان یک مبحث مستقل مورد تحقیق قرار داده است؛ ولی در این تحقیق خود در پی مقایسه‌ی نظریه ابن سینا و ملاصدرا بوده‌اند و لذا به صورت جامع در نظرات ملاصدرا نگاه نشده است. و بخاطر نبود یک تحقیق جامع و مستقل بادر نظر داشت مبانی فلسفی ملاصدرا در مورد تجرد نفس، لذا این موضوع برای تحقیق انتخاب گردید، تا روزنه‌ی باشد برای ورود به ژرفای نظرات ایشان به صورت جامع.

هدف تحقیق:

هدف کلی: تجرد نفس در فلسفه ملاصدرا.

اهداف جزئی:

- ۱- رابطه ادراک و تجرد نفس
 - ۲- رابطه تشکیک وجودی و حرکت جوهری با حدوث مادی و بقاء روحانی نفس
 - ۳- تبیین حدوث مادی و تجرد فرجامین نفس.
 - ۴- اثبات تجرد نفس.
 - ۵- اثبات مراتب مثالی و عقلی و فوق عقلی برای تجرد نفس.
 - ۶- اثبات اینکه بعضی نفوس تنها تجرد مثالی دارند و بعضی تجرد مثالی و عقلی، و بعضی تجرد فوق عقلی.
 - ۷- عوامل موثر در رسیدن نفس به تجرد
 - ۸- نقش مرگ در ارتباط با تجرد نفس.
- که از میان این اهداف هدف ویژه تجرد نفس در فلسفه ملاصدرا می‌باشد.

فصل اول

تعاريف و کلیات

ملا صدرا و فلسفه او

ملا صدرا کیست؟

نام وی محمد ملقب به صدر المتالهین و معروف به ملاصدرا، فرزند ابراهیم بن یحیی قوامی شیرازی، که در تاریخ (احتمالی) ۹۷۹ هـ ق در شیراز دیده به جهان گشوده و در راه بازگشت از سفر حج به تاریخ (۱۰۵۰ هـ ق) در بصره آفتاب پر فروغ وجودش غروب کرد.^۱

ایشان از اعظام حکمای اسلامی و فلاسفه قرن یازدهم هجری به شمار می‌رود که از خصوصیت‌های برتری همچون دقت نظر در مباحث عقلیه تتبع و احاطه‌ی کامل به مباحث فلسفی و اقوال اهل دانش، سرعت انتقال، ذوق سرشار، قدرت فکری، قوت و استعداد کم‌نظیر در تحقیق معضلات پیروی از طریقه‌ی حقه انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) برخوردار است.^۲

وی در علوم نقلیه نزد شیخ بهاء الدین عاملی، معروف به شیخ بهائی، تلمذ می‌کرده و سال‌های متمادی به قرائت فقه و اصول حدیث و رجال نزد ایشان اشتغال داشته و در علوم عقلی و معارف الهیه از محضر سید محقق داماد معروف به میرداماد کسب فیض می‌نموده است.^۳

ملاصدرا خود نیز صاحب کرسی تدریس و افاضه بوده است که جمعی از بزرگان فلسفه و حدیث نظیر ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبد الرزاق فیاض لاهیجی نزد ایشان به تحصیل اشتغال داشته‌اند.^۴

۱ - خامنه‌ای - سید محمد - ملاصدرا، ج ۱، ص ۸

۲ - آشتیانی، سید جلال‌الدین، شرح حال ملاصدرا، ص ۱

۳ - همان، ص ۲

۴ - لغت نامه - دهخدا - ج ص، ضمیمه ص ۱۶۲

ایشان در کلام و فلسفه متبحر و در تفسیر قرآن و حدیث بارع بود و لذا تالیفات و کتب مهمی در فلسفه و کلام، تفسیر قرآن و حدیث داشته که امروزه مورد استناد و تدریس در مراکز مختلف می‌باشد و در کتب فلسفی خود نو آوری‌هایی داشت که سرنوشت فلسفه‌ی اسلامی را عوض کرد که چند نمونه آن عبارتند از:

۱- اصالت الوجود و اعتباریت ماهیت.

۲- تشکیک عینی وجود

۳- حرکت جوهری^۱

فلسفه ملاصدرا و تفاوت آن با فلاسفه دیگر

فلسفه‌ی اسلامی به تبع فلسفه‌ی یونان باستان به دو گرایش؛ مشائی و اشراقی تقسیم می‌شود: اشراقیها که سر دسته‌ای آنان شیخ شهاب الدین سهروردی از علمای قرن ششم هجری می‌باشد و از پیروان افلاطون محسوب می‌گردند ویژگی حکمت‌شان این است که در انجام تحقیق مسائل فلسفی و کشف حقایق، خصوصاً «حکمت الهی» تکیه روی سلوک معنوی، تصفیه و مجاهدت نفس دارند و روش اصلی آنها را مشاهده درونی تشکیل می‌دهد، لذا استدلال عقلی صرف را کافی نمی‌دانند.

مشائیهها که در رأس آنها شیخ الرئیس بوعلی قرار دارد و از پیروان ارسطو به شمار می‌روند، روش اصلی در حکمت‌شان برای کشف حقایق و شناخت مسائل فلسفی تنها استدلال عقلی می‌باشد و بر اساس منطق مدون خود سراغ مجهولات رفته و می‌کوشند از این طریق مسائل فلسفی را تحقیق نموده و به حقایق دست یابند.^۲

این دو گرایش فلسفی که هر کدام پیروان خاص خود را داشتند مدتها همدیگر را تخطئه کرده و در حال نزاع به سر می‌بردند، در حالیکه بسیاری از مشکلات کلامی و فلسفی همچنان لا ینحل باقی مانده بود. ملاصدرا با تبصری که در حکمت اشراق و

۱ - آشتیانی، سیدجلال‌الدین، همان، ص ۸

۲ - مطهری - مرتضی - مجموع آثار، ج ۵ ص ۱۴۱

تسلط بر حکمت مشاء داشت و نقاط اشتراک و اختلاف، قوت و ضعف هر کدام را به خوبی می‌دانست طرح جدید و جامعی ریخت تا بتواند بین این دو روش سازگاری ایجاد کرده و با استفاده از هر دو روش اشکالات فلسفی و کلامی باقی مانده را حل نموده و فلسفه‌ی جدیدی ارائه نماید.

ایشان فلسفه‌ی خود را «حکمت متعالیه» نامید و به این نام اشتهار یافت، گرچه قبل از وی بوعلی سینا نیز کلمه‌ی «حکمت متعالی» را در اشارات به کار برده است؛ ولی فلسفه او هیچ‌گاه به این اسم شهرت نیافت. ۱

امتیاز فلسفه‌ی ملاصدار، با فلاسفه‌ی دیگر در این است که توانست مسائل ذوقی و عرفانی را در قالب برهان و استدلال منطقی و فلسفی بیان کند و وجه الجمعی بیابد میان حکمت مشاء و اشراق. ۲

پیشینه تجرد نفس:

از دیر باز غیریت نفس و بدن و تجرد آن در میان فلاسفه مطرح بوده است، از فلاسفه یونان باستان تا فلاسفه معاصر اسلامی.

فلاسفه یونان باستان:

در میان فلاسفه یونان باستان نظرات، افلاطون و ارسطو اشتهار بیشتری دارد و لذا مختصراً به دیدگاه این دو اشاره می‌کنم.

افلاطون:

ایشان معتقد به غیریت نفس و بدن مادی است و آن را عاری از ماده می‌داند و بر این باور است که نفس قبل از بدن مادی وجود دارد و بعد از مرگ و نابودی بدن نیز باقی است. و نظرش این است که نفس مدتی بعد از مرگ بر حسب اعمال گذشته‌ی که داشته، دوباره در بدن جدیدی قرار می‌گیرد. و در جاهای مختلف چنین می‌گوید:

۱- مان، ص ۱۴۳.

۲- مان.

«آموختن جز بیاد آوردن نیست. اگر این سخن راست باشد ناچار باید چیزی را که در این زندگی (مادی) بیاد می‌آوریم در زندگی پیشین آموخته باشیم و چنین امری امکان پذیر نبود اگر روح ما پیش از آنکه در قالب کنونی (تن) در آید وجود نمی‌داشت، و همین خود دلیل است بر اینکه روح باید از آغاز وجود داشته باشد و تا ابد زنده بماند»^۱

و در جای دیگر دارد:

«پس روح که خود نادیدنی و نامحسوس است و پس از آزادی از بند تن به جای نادیدنی و پاک آسمانی رهسپار می‌گردد.»^۲

و هم چنین می‌گوید:

«بازگشتن از مرگ به زندگی حقیقت دارد و ارواح پس از جدای از تن زنده می‌مانند، متها ارواح نیکان زندگی نیکی دارند و ارواح بدان زندگی بد ارواحی که به ستمگری و جاه طلبی و غارت و خونریزی خو گرفته‌اند در کالبد گرگها و بازها و کرکسها در می‌آیند و در آن میان ارواحی هم هستند که نیک بخت‌تر از دیگرانند و در کالبدهای بهتر جای می‌گیرند.»^۳

ارسطو:

از نظر ارسطو نیز نفس غیر از بدن مادی است و در ذات خود مجرد از ماده می‌باشد اما فعلاً در بدن مادی جای گرفته است و برای کمال خود از آن استفاده می‌کند. البته با این تفاوت که ایشان قدیم بودن نفس را نپذیرفته و بر رد آن اقامه‌ی برهان می‌کند. بلکه اعتقاد به حدوث نفس هنگام حدوث بدن دارند.^۴ ابن سینا در شرح کلام ارسطو می‌گوید:

- دوره آثار افلاطون، ج ۱، (فایدون)، ص ۴۷۱.

- دوره آثار افلاطون، ج ۱، (فایدون) ص ۴۷۱.

- همان، ۴۸۳.

- ملاصدرا - محمد - الاسفار الاربعه، ج ۸، ص ۳۲۲، به بعد.